



چشم‌ان پوست

معماری و ادراکات حسی

یوهانی پالاسما

ترجمه رامین قدسی



بیت‌نشر

۱۳۹۰

سرشناسه : پالاسما، یوهانی، ۱۹۳۶ - م.

Pallasma, Juhaní

عنوان و نام پدیدآور : چشمان پوست معماری و ادراکات حسی یوهانی پالاسما : ترجمه رامین قدس.

مشخصات نشر : تهران: پرهام نقش، ۱۳۹۰.

مشخصات ظاهری : ۱۰۴ ص: ۲۰ مصور ۱۵/۵×۲۱/۵ اس.م.

شابک : ۳۰۰۰۰ ریال ۹۸۰-۶۱۲۶-۰۹-۸

وضعیت فهرست نویسی : فیا

یادداشت : ' عنوان اصلی: The eyes of the skin, 2005 architecture and the senses.

یادداشت : چاپ قبلی: گنج هنر: پرهام نقش، ۱۳۸۸.

یادداشت : کتابنامه: ص. ۸۹ - ۹۹.

یادداشت : نمایه.

موضوع : معماری -- زیبایی شناسی

شناسه افزوده : قدس، رامین، ۱۳۵۷ - مترجم

رده بندی کنگره : NA-۲۵۰۰/پ ۵ ج ۱۳۹۰

رده بندی دیویی : ۷۲۰/۱

شماره کتابشناسی ملی : ۲۴۲۱۳۹۹



چشمان پوست معماری و ادراکات حسی

□ نویسنده: یوهانی پالاسما

□ مترجم: رامین قدس

□ ناشر: گنج هنر - پرهام نقش

□ لیترگرافی: نادر

□ چاپ: سارنگ

□ صحافی: صنوبر

□ نوبت چاپ: اول ۱۳۹۰

□ شمارگان: ۱۱۰۰

□ شابک: ۹۷۸-۶۰۰-۶۱۲۶-۰۹-۸

□ قیمت: ۴۰۰۰ تومان

سازش بخش و فروش

کتابفروشی پرهام:

خیابان انقلاب، ابتدای خیابان ۱۲ فروردین پلاک ۲۹۷، تلفن: ۶۶۹۵۸۹۶۶

انتشارات سیمای دانش: تلفن ۶۶۳۶۲۷۷۹

بخش کتاب ویستا: تلفن ۶۶۳۸۲۹۵۷

مسئولیت صحیح مناسبت کتاب به میوه، سر و دم و حق چاپ برای ناشر محفوظ است.

۷

پیشگفتار مترجم

مقدمه

۱۵

یخ شکننده، استیون هال

معرفی

۱۹

لمس کردن جهان، یوهانی پالاسما

بخش اول

۲۵

بینایی و معرفت

۳۰

انتقاد به بینایی محوری

۳۳

دیدگان پوچگرا و خودشیفته

۳۵

گفتار علیه فضای بصری

۳۷

معماری بینایی محور و زوال شکل پذیری

۴۱

معماری تصاویر بصری

۴۳

مادیت و زمان

۴۶

عدم پذیرش قاب بندی آلبرتی

۴۸

تصویر جدید و توازن احساسات

بخش دوم

۵۲	بدن در مرکز جهان
۵۳	تجربه چند-حسی
۵۹	اهمیت سایه
۶۱	صمیمیت شنوایی
۶۴	سکوت، زمان و تنهایی
۶۷	فضای رایحه
۷۰	شکل لامسه
۷۳	ذائقه سنج
۷۴	تصاویر عضلات و استخوان‌ها
۷۶	تصاویر حرکت
۷۸	هویت یابی بدنی
۸۱	تقلید از بدن
۸۲	فضای حافظه و تصورات
۸۴	معماری احساسات
۸۶	وظیفه معماری
۸۸	یادداشت‌ها
۱۰۰	نمایه نام‌ها

پیشگفتار مترجم

با گسترش حوزه نظری و معرفت شناختی پسا مدرنیسم و جهان بینی پسا ساختارگرایی مبتنی بر سوژه مرکز زدایی شده، به تدریج چهارچوب های ایدئولوژیک و پارادایم های نظری جدیدی از سایر رشته ها وارد گفتمان معماری شدند از جمله این وجوه میان رشته ای، رهیافتی موسوم به پدیدارشناسی است. در دهه ۱۹۵۰ با رواج انتقادهای دامنه دار به تفکر پوزیتیویسمی غالب، بررسی پدیدارشناسانه معماری کمابیش جایگزین فرمالیسم هنری مدرن شد و زمینه ای را برای ظهور زیباشناسی امر متعالی در دوران معاصر فراهم ساخت. این نظریه با مورد توجه قرار دادن مسأله کنش متقابل میان کالبد انسان و محیط اطراف آن به تفکری فلسفی بدل گشت.

رهیافت پدیدارشناسانه در معماری علاوه بر توجه مجدد به سایت و تکتونیک (زمین ساخت) به صورت آگاهانه یا نا آگاهانه نزد طراحان معاصر هم چون تادانو آندو، استیون هال و پیترو زومتور مکتب فکری بسیار تأثیرگذاری بوده است. پدیدارشناسی از یکسو در تقابل

با تفکر دوباره مبتنی بر ابژه و سوژه دکارتی است چرا که انسان را نه در مواجهه با چیزها، که در کنار و همراه آنها می‌یابد و از دیگر سو مقابل علوم طبیعی است که ابژه در معرض تحلیل را از زمینه کیفیت جدا ساخته و در قالب جهان انتزاعات علمی فرو می‌کاهد. به گفته مارسل دوشان: "آنچه از طریق علم ثابت می‌شود خود اشیاء نیستند بلکه تنها روابط بین آنهاست و خارج از این روابط هیچ گونه واقعیت قابل دریافتی وجود ندارد." لذا چیزها پیش از اینکه موضوع شناسایی ما باشند همراه ما هستند و این استدلال، ایده «لوح سفید» مدرن (tabula rasa) که هر کنش هنرمندانه اصیل را متعلق به ورای تاریخ و خارج از تعامل و تقابل ادراکات حسی با جهان اشیاء بیرونی می‌داند به چالش می‌کشد. لذا در دوران معاصر کشف روابط درون بود چیزها و رابطه خارجی آنها با محیط، از طرف معمار واجد اهمیت و بازیابی می‌شود.

کریستین نوربرگ-شولتز به پدیدارشناسی همچون روشی می‌نگرد که «بازگشت به چیزها» را در تقابل با انتزاع‌ها و ساختارهای ذهنی مدرنیسم ضروری می‌داند. به زعم وی معماری مدرن با ایجاد محیط عملکردگرایانه هندسی که «در جهان بودن» را امکان‌پذیر نمی‌سازد، بحران معنا را به وجود آورده است. در نظر او معماری جهان را قابل رؤیت و فضامند می‌سازد و حضور آن را در یک «چیز» گرد هم می‌آورد. به دیگر سخن اثر معماری باز نمودی نیست بلکه حضور میابد یا چیزی را به حضور در می‌آورد. در تفکر یوهانی پالاسما این رویکرد با اتکا بر ادراکات حسی پنجگانه به گرایش مجدد در باب کیفیات حسی مصالح، نور، رنگ و قدمت و تاریخچه ماده در زنجیره‌ای از زمان منجر شده است.

یوهانی پالاسما متولد ۱۹۳۶ در هامینلینا فنلاند و استاد معماری دانشگاه تکنولوژی هلسینکی است. وی از سال ۱۹۶۳ فعالیت حرفه‌ای معماری را در طراحی و برنامه‌ریزی شهری آغاز کرد. پالاسما پیش‌تر مدیر موزه معماری فنلاند (۱۹۸۳-۱۹۷۸) بوده و در دانشگاه‌های مختلفی تدریس کرده است.

پالاسما بر پایه مطالعه آثار ادموند هوسرل، مارتین هایدگر و گاستون باشلار دیدگاهی

پدیدارشناسانه در مورد اتکاء تجربه به ادراکات حسی، حافظه، خاطره، تخیل و ناخودآگاه مطرح می‌کند. پالاسما همانند نوربرگ-شولتز به از دست رفتن قدرت ارتباطی معماری در دوران معاصر معتقد است. به زعم او علم و عقل، ذهنیات محدودی همچون تجزیه و کمینه‌گرایی متکی بر ادراک بینایی را ارائه کرده‌اند که در معماری پیامدهای تأسف باری را به همراه داشته است. به تعبیر او معنا در معماری به توانایی آن در به نمایش در آوردن حضور انسانی و نیز به تجربه فضایی اثر متکی است و در این مورد کنت فرامپتون با او هم عقیده است که معماری، موردی فضایی-تجربی است و نه تصویر محور.

پس از دوران رنسانس و با ابداع بازنمایی بصری، چشم انسان همانند وجود او به عنوان مرکز جهان ادراک، معرفی شد و قوه بینایی را به نوعی ابزار جستجوی علمی بدل ساخت. پرسپکتیو رنسانسی با مرکب سایر حواس به ابزاری در جهت بازنمایی دقیق واقعیت و بدل به شالوده هنر، تفکر و علم مدرن شد. اما در نیمه دوم قرن گذشته به تدریج تمایل وافر در به‌کارگیری حس بینایی که با تقلیل و نادیده گرفتن مستمر سایر کیفیات حسی و جسمانی در هنر و معماری مدرن همراه بود با تأکید بر نقش بدن به عنوان مرکز جهان ادراکی به چالش گرفته شد. ناظر بر این رهیافت امروزه شاهد اهمیت روزافزون ادراکات حسی در زمینه هنر و معماری و انتقادهای دامنه دار به تصویرپردازی محض و عملکردگرایی مدرن هستیم. برای مثال آلبرتو پرز گومز عملکردگرایی معماری مدرن را باعث غفلت از توجه به کالبد انسانی می‌داند؛ به زعم وی توجه اصیل به معنای معماری در دوران معاصر در ارتباط با احیاء آگاهانه یا نا آگاهانه کالبد می‌باشد؛ از سوی دیگر برنارد چومنی نیز معماری به مثابه تصویرگری را یکی از تعبیر و تفاسیر تقلیل‌گرایی می‌داند که معماری می‌بایست آن را کنار بگذارد تا از دوران مدرن فراتر رود.

یوهانی پالاسما در کتاب پیشین خود تحت عنوان «هندسه احساس: نگاهی به پدیدارشناسی معماری» درباره‌اشودن منظری به درون واقعیت ثانوی دریافت‌ها، رویاها، خاطرات فراموش شده و تخیلات سخن به میان آورده است. درحالیکه پژوهش وی در مورد

«نا آگاهی» با امر غریب فرویدی برابری می‌کند «معماری سکوت» او با امر متعالی معاصر عجین شده است.^{۱۱}

کتاب موجز و در عین حال فراگیری که در پیش رو دارید طیف وسیعی از هنرهای تجسمی را در بر می‌گیرد و تحت عنوان تفکر برانگیز «چشم‌پوست» به طرح دیدگاه و اندیشه‌ای ناب در زمینه هنر و معماری می‌پردازد.

نویسنده در بخش اول کتاب به سبقه تاریخی و آراء و عقاید مطرح شده در مورد ادراک سرکوب شده بساواپی و اهمیت آن در تجربه و درک جهان پرداخته و دیدگاهی مبتنی بر ارتباط آن با حس غالب بینایی را مطرح می‌سازد. وی با طرح ایده جلوگیری عمدی از بینایی تمرکز یافته و جایگزینی آن با بینایی محیطی (غیر متمرکز) معماری را در ارتباط مستقیم با جسمانیت دنیا و کالبدانسانی می‌بیند و سپس با طرح رویکردی تفکر برانگیز تمامی ادراکات حسی از جمله حس بینایی را به عنوان ضمیمه‌هایی بر حس لامسه - به عنوان مادر تمامی حس‌ها - مطرح می‌کند.

پالاسما در بخش دوم کتاب با طرح نخاس‌های نا متعارفی همچون شکل لامسه، ذائقه سنگ و فضای رایحه با انتقاد از تقابل‌های دوتایی دکارتی از برهم کنش ادراکات حسی سخن به میان می‌آورد. وی هر تجربه بساواپی در معماری را چند-حسی می‌داند و بر همین اساس دیدگاهی مبتنی بر تعامل ادراکات حسی را در مقابل ادراک بصری متداول از هنر ساخت بنا مطرح می‌سازد. به زعم وی حس لامسه خصوصاً در معماری تاریخی، حضور داشته و مورد تأکید قرار می‌گرفته اما با ظهور دوران مدرن گسستی عمیق در قلمروی ادراکات حسی پدیدار شده است. بدون شک این دیدگاه پالاسما را می‌توان با رهیافت گاستون باشلار - فیلسوف پدیدارشناس فرانسوی - درباره «چند آوایی ادراکات حسی» همسو دانست. باشلار در کتاب «تغزل مکان» با نقل نثری از هانری میشو تجربه‌ای از تلفیق حواس را به نمایش می‌گذارد:

۱ - نظریه‌های پامدرن در معماری، کیت نیسیت، محمدرضا شیرازی، نشر نی، ۱۳۸۶

"مکان، اما تو نمی توانی بیرون و درون ترسناکی را که مکان واقعی است حتی به تصور در آوری.

پاره ای سایه ها در آنجا برای آخرین بار کمر همت بسته اند و نومیدانه تلاش می کنند که در هیئت وحدتی یگانه موجود شوند. اما افسوس بر آنها، من یکی از آنها را دیده ام.

ویران از غذایی سخت، به قالب صدایی در آمده بود- صدایی نا هنجار. او دیگر وجود نداشت اما عالم بی کران همچنان او را می شنید. او صرفاً به یک صدا تبدیل شده بود؛ صدایی که قرن‌ها باید به هم همه اش ادامه دهد. اما تقدیر این بود که کاملاً بمیرد؛ گویی که هیچگاه زنده نبوده است."

وی در این جملات مرز هندسی مابین قلمروهای حسی را از میان برمی دارد. به این ترتیب اگر فروگاهش و تقلیل ادراکات در هنر مدرن آسان است از منظر پدیدارشناسی، تأکید بر مبالغه بسیار جذابتر است.

پالاسما تأکید بی قید و شرط بر تکنولوژی و فقر ادراک محیطی بینایی را عامل به وجود آورنده حس بیگانگی در شهرها و معماری معاصر می داند. تصویرسازی کامپیوتری به عنوان ابزار مؤلف طراحی معاصر که به حذف پدیدار و فرایند خلق معماری منجر می شود با فروکاستن از قدرت تخیل و ادراکات حسی، ادراک بینایی را به ابزاری زائیده تصاویر بدل ساخته و اشیاء را در حد روابط صوری صرف تنزیل داده است. اکنون در این راستا سؤالاتی از این قبیل مطرح می شوند که آیا بارش بی پایان تصاویر راهگشای فرار از بحران معاصر می باشد؟ آیا باور به تکنولوژی ابزاری در طول تاریخ مورد تصدیق قرار گرفته است؟ تغییرات تکنولوژیک و فن ساختی چگونه بر الگوهای کهن ساخت تأثیر می گذارند؟ و اینکه آیا معیارهای زیبایی و ادراک فرم در جهت شناخت پدیدارشناسانه در حال تغییرند؟ شاید از طریق چنین سؤالاتی بتوانیم به معماری که در جستجوی آن هستیم دست یابیم. نوعی از معماری که همزمان پاسخگوی تخیلات و تمایلات آدمی و تمامی ادراکات حسی اوست و مسلماً در

این جستجو می بایست به تکنولوژی های جدیدی دست یابد.

این کتاب طیف گسترده ای از نظریات فلاسفه، هنرمندان و معماران را در بر می گیرد. لذا به منظور درک بهتر خوانندگان در برخی موارد توضیحاتی در پانوشت ها افزوده شده است. درانتها شایسته است از کلیه عزیزانی که در این راه مشوق و همراه من بودند قدردانی نمایم؛ خصوصاً از سرکار خانم راضیه رحیمی که زحمت مقابله مجدد کتاب را تقبل نمودند، تشکر فراوان دارم.

رامین قدس

پاییز ۱۳۸۷

www.ketab.ir